

کرزی طی یک دهه چه میراثی از خود بجا گذاشت؟؟؟

(انواع پدیده های منفی چون: تنگ سالی، ماجراجویی، خویشخوری، رشوت ستانی، بی

مسئولیتی، چوروچپاولگری، زورگویی، منطقه پرستی، روزگذرانی، و ...)

« قسمت دهم – صباح »

وزارت خارجه درکشمکشهای گروپی و سیاسی



MINISTRY OF
FOREIGN AFFAIRS
ISLAMIC REPUBLIC OF AFGHANISTAN

زمان رایخ گرفت از آه سردم

سرا پا غصه و فریاد و دردم

قسم خوردم وطن برنام پا کت

زرنجت هیچگاه غافل نگردم .

نگرانیهای بین المللی از تشدید بحران درکشور و افزایش خطر طالبان ، تا جایی پیش رفت که برخی ا

ز مقامهای ملل متحد حتی از احتمال بازگشت افغانستان به دوران سیاه گذشته در نتیجه افزایش

خشونت طالبان و کم توجهی بین المللی سخن می گویند. و این احتمال وجود دارد که کشور بار دیگر

به کشور ناکام مبدل شود و در اختیار تروریستهای مواد مخدر قرار گیرد. فساد اداری ، مواد مخدر،

تروریسم ، فقر ، نا امنی ، فقدان کاروزنده گی بخورونمیر، مشکلات با همسایه ها، حاکمیت

جنگسالاران و نظایر آن همچون یک نظام بیبسته به هم عمل می کنند. تا زمانی که بنیاد گرایي و قانون

گریزی ازکشور ما نابود نشود، هیچ قانون و قانونمندی... نمی تواند اثر مثبت در بهبود اوضاع

سیاسی و اقتصادی داشته باشد.

فساد بی حد و حصر در ادارات دولت، که در واقع به یکی از عمده ترین عوامل ناکامی در طول

سالهای گذشته مبدل شده است تنها محدود به وزارتخانه ها و ارگان های بیرون از قصر ریاست

جمهوری نمانده است. تاسفارتخانه هاونماینده گی های سیاسی ریشه دوانده است. کارمندان سفارت

متشکل است از پسر خلیلی - پسر الکو - خواهرزاده کرزی ، خویش و قوم دبل عبدالله ، ملا مارشال

فهمیم ...

سپنتا از محدود چهره های است که به کرزی نزدیک بوده و در عملکردهای وی مستقیم و یا غیرمستقیم دخیل بوده و خیلی از مسوولیتها متوجه وی است ، سپنتا از نظر فکری دارای استقراری کمی بوده و زود تصمیم میگیرد و همچنان سریع پشیمان میشود. سپنتا در شهداء صالحین بر مزار عبدالرحمن محمودی و میر غلام محمد از سنگ فروش ها سخن گفت که سخنان وی متوجه شورای نظار بود که به کمک احمد شاه مسعود، معادن سنگ لاجورد، یاقوت و فیروزه را به تاراج بردند و فروختند. حرف های سپنتا مانند به پتک سر محب بارش فرود آمد . وی به محض ختم حرف های سپنتا گفت- گرچه من نمی خواستم در اینجا حرف بزنم ولی حرف های سپنتا مرا وادار کرد که اینجا بیایم و در رد حرف های بی اساس سپنتا چیزی را بگویم. ولی فکر میکنم تذکر چند نکته را ضروری میدانم که به سپنتا هشدار بدهم. برخورد محب بارش اندکی نه بلکه زیاد تعرضانه بود او به سپنتا تاخت و گفت آخر تو چرا؟ این حرف ها را باید بزنی؟ و در ادامه حرف هایش اضافه کرد- اگر از سنگ فروش ها حرف می زنید، چرا از وطن فروشان چیزی نمی گویند؟ .

محب بارش از مصاحبه سپنتا که شب گذشته اش با رادیو بی بی سی انجام داده بود، یاد کرد و گفت- سپنتا خود تان دیشب با بی بی سی مصاحبه داشتید و از ایالات متحده آمریکا دفاع کردید، آمریکایی که با آوردن دموکراسی اش در اولین قدم آن کشور را به فاحشه خانه تبدیل میکند. و اندکی از این مشاخره نگذشته بود که سپنتا رسماً از این سخنانش معذورت خواست.

در یک بازی دیگر کرزی به سپنتا وظیفه سپرد تا پیمان استراتژیک را با ایالات متحده آمریکا تدوین ، مذاکره و مدیریت نماید و در آخرین تحلیل مسوولیتش نیز متوجه اسپنتا خواهد بود.

سپنتا با اشغال کرسی وزارت خارجه اعلان کرد که هیچ سفارشی از اهل قدرت در مورد تقرر دیپلمات ها را نمی پذیرد، اما عملاً تغییر و نوآوری های که ضروری بود و توقع میرفت به انجام نرسانید. سپنتا به مثابه روشنفکری مکتبی باید تخصص تحصیلی و استعداد و توانائی را در تقرر سفراء و قونسل ها مد نظر می داشت و انانکه بر اساس مصلحت و رابط فامیلی و شخصی به سالهای متعدد در سفارتخانه ها و جنرال قونسل تقرر یافته بودند سبکدوش میگردید که نگرید .

- صمد عمر سفیر در کانادا که از سال دوهزار و دو و تا کنون در خارج اقامت دارند .

- حکیمی سفیر در کشور امبرطوری جابان و در کشور چین هشت سال است در خارج از کشور اقامت داشتند.

- زلمی عزیز معین سیاسی اسبق وزارت که بعد از تقاعد شان بصفت سفیر در مسکو تقرر یافتند و شش سال در کشور روسیه حضور داشتند.

- طرزی اضافتر از هشت سال در خارج فعالیت دیپلماتیک مینمودند.

- مسعود خلیلی سفیر فعلی در ترکیا و قبلا در کشور هند که اضافتر از پانزده سال در خارج اقامت

دارند.

- جنرال اصف دلاور سفیر در اوکراین حدود ده سال در خارج کشور اقامت میکردند.

- سید طیب جواد سفیر در آمریکا اضافتر از هشت سال وظیفه دیپلماتیک داشتند.

- محمد ظاهر عزیز سفیر در یونسکو ده سال .

- سلطان محمد بنیاد جنرال قونسل در هالند و قبلاً مستشار در جرمنی اضافتر از دوازده سال است که در خارج هستند. و ده ها چهره دیگر و تقریباً یک تعداد اشخاصی غیر مسلکی به اساس زدوبندهای حزبی و گروهی. جابجایی هراتیان در وزارت امور خارجه بگونه مثال مرادیان ، سلطان احمد بهین سخنگوی و فعلاً سفیر در چین و ...

رنگین دادفر سینتا در سال سیزده سی و دو در ولایت هرات به دنیا آمد، درجه لیسانس را در رشته حقوق و علوم سیاسی از پوهنتون آنقره، درجه ماستری در علوم سیاسی را از پوهنتون آخن کشور آلمان به دست آورده است. وی در انستیتوت علوم سیاسی پوهنتون آخن به حیث اسپینتانت انجام وظیفه نموده است. کرسی، سینتا را در کابینه سال ۲۰۰۶، به عنوان وزیر امور خارجه به پارلمان معرفی کرد و سینتا توانست با به دست آوردن رای اعتماد نماینده گان، آغاز به کار کند. اسپینتا مانند تعداد دیگری اعضای کابینه دارای تابعیت دوگانه آلمانی - افغانی است و یکی از شرط های نماینده گان پارلمان برای دادن رای اعتماد به وی ترک تابعیت آلمانی بود، وی این شرط را پذیرفت و اما درین کار عملاً اقدامی به عمل نیاورد و از تابعیت آلمانی اش صرف نظر نکرد. وی فعلاً وزیر مشاور کرسی در امور خارجی می باشد. سینتا به دلیل آنچه ضعف در جلوگیری از اخراج مهاجرین از ایران خوانده شد، از سوی مجلس استیضاح شد. ۱۲۴ تن از نماینده گان بر علیه وی رای دادند که یک رای کمتر از حد نصاب برای سلب اعتماد بود. اما تعدادی از نماینده گان ادعا کردند که یک ورقه رای مثبت بوده ولی باطل اعلان شده است. مجلس دو روز بعد از آن برای بار دوم برای استیضاح وی صندوق رای گذاشت و ۱۴۱ رای منفی داد. با این حال، حامد کرسی رئیس جمهور این فیصله را خلاف قانون اساسی و اصول وظایف داخلی مجلس دانست و رسماً از ستره محکمه تقاضای نظر شد. بعد از گذشت دو هفته، ستره محکمه به نفع وزیر خارجه رای داد، زیرا اولاً دلیل موجهی برای استیضاح وزیر امور خارجه وجود نداشته است و این استیضاح مخالف قانون اساسی کشور شمرده می شود و دوم اینکه رای دوم مجلس نمایندگان برای استیضاح غیر قانونی و بی اعتبار است، زیرا در مرتبه اول نماینده گان مخالف نتوانستند رای عدم اعتماد را به حد نصاب برسانند. اصولنامه وظایف داخلی مجلس، رای دوم را ممنوع نموده است.

مجلس، علی رغم تصمیم محکمه از موقف خود عدول نکرد و گفت که وزیر امور خارجه را برسمیت نمی شناسد. با این حال، سینتا عملاً به عنوان وزیر امور خارجه فعالیت مینمود.

امیري در جمهوری سکوت مینویسد- اسپینتا در واپسین روزهای وزارتت، مراسم رونمایی از کتابش، سیاست خارجی افغانستان در قرن بیست و یک را در وزارت خارجه بر گزار کرد. می دانیم که او روزگاری محصلی علوم سیاسی در پوهنتون انکارا بود و لابد کم یا بیش ترکی هم می داند. من بعید نمی دانم که این کتاب اسپینتا که روی هم رفته یکی دو تا نطق تشریفاتی و چندمصاحبه کم اهمیت است، تقلیدی از کتابی «سیاست خارجی ترکیه در قرن بیست و یک» اثر پرفیسور احمد داود اوغلو وزیر خارجه کنونی ترکیه باشد. اما، میان این دو کتاب تقریباً هم نام (در کتاب اسپینتا به جای ترکیه افغانستان آمده است و دیگر هیچ فرقی ندارد) تفاوت از زمین تا آسمان است.

سیاست ترکیه به طور سنتی رو به غرب طراحی شده بود و پان ترکیسم که نیم نگاهی ترکیه به شرق محسوب می شد، به دلیل صبغه غلیظ سکولاریستی آن نیز چندان خریدار و طبعاً جایگاهی در میان ملل ترک زبان و ترک تبار نداشت. اسپینتا، اما اینک چه می خواهد بگوید؟ به فرض هم که مصاحبه های نه چندان پرمایه او را در رادیو های بی بی سی و آزادی جدی بگیریم، جای سوال است که سیاست خارجی افغانستان در قرن بیستم چه گونه بوده است که اسپینتا می خواهد در قرن بیست و یکم اصول تازه برای آن تدوین کند؟ اصلاً افغانستان پتانسیل و ظرفیت اجراء یک سیاست خارجی را دارد؟ حدس می زنم که اگر وسوسه عنوان کتاب داود اوغلو نبود، وزیر روشنفکر مرتکب چنین گزافه گویی ها نمی شد. سیاست خارجی مورد نظر اسپینتا به طور شگفتی آوری رومانیتیک و ایده آلیزه شده است؛ شیر «بی یال و دم و اشکمی» است که به هیچ یک از نقطه های بحران بین المللی تماس پیدا نمی کند.

از خط دیورند و آب هیرمند که در گذریم، ماجرای کشمیر، منازعات خاورمیانه و تشنج های فزاینده در خلیج فارس، در این سیاست خارجی هیچ جایی ندارند و با سکوت بر گزار شده است. اسپینتا یا به صلاح خود نمی دیده که در این باره ها حرفی بزند و یا دانش دیپلماتیک او تاب سخن گفتن در این حوزه ها را نداشته است.

زلمی رسول و کشتی شکسته دستگاہ دیپلوماسی کشور: طیب جواد از سال ۲۰۰۳ سفیر افغانستان در ایالات متحده آمریکا و همچنین سفیر در برزیل، مکزیک، کلمبیا و آرژانتین بود. طوریکه همه ما اطلاع داریم چندی قبل محفلی خوشگذرانی در سفارت کشور مقیم واشنگتن برپاودرین مجلس سید طیب جواد سفیر و تعدادی از خانمها حضور داشتند و درین بزم سفیر درمستی و میگساری غرق بود. عده گفتند تصاویری از اعمال غیراسلامی، غیر اخلاقی و غیر افغانی یک سفیر، درکشورش روزانه صدها خانه ویران، صدها زن بیوه و هزاران طفل یتیم می شوند. هزاران انسان اعم از مرد و زن و پیر و جوان و کودک در این ماه مبارک رمضان شبها گرسنه می خوابند و بعضیها حتی سقفی هم بر سر خود ندارند. سفیر بزم آرای می نماید. معاون شورای ملی ضمن درخواست برکناری سفیر کشور در

آمریکا، خطاب به وی اعلام کرده است: آقای سفیر... شما مشغول رقص با شراب و زنان هستید و مردم افغانستان در حال رقص در سیل و خون خود. چندی ازین ماجرانگذشته بود که اکلیل حکیمی سفیر کبیر و نماینده فوق العاده در واشنگتن- ایالات متحده آمریکا، توسط هارون الکو مستشار آن سفارت مورد لت و کوب قرار گرفت. وزارت خارجه تائید کرده که میان برخی از کارمندان سفارت کشور در واشنگتن، برخورد فیزیکی روی داده است. برخی رسانه ها گزارش کرده اند که یک دیپلمات افغان که پسر یکی از کارمندان ارشد دولت است، به اکلیل حکیمی، سفیر در واشنگتن و یک دیپلمات دیگر حمله کرده و آنها را در دفتر کارشان لت و کوب کرده است. براساس این گزارشها، هر دو دیپلمات افغان به دلیل جراحاتی که برداشته اند، به یک شفاخانه منتقل شده اند. شفیق که با هیچ زبان خارجی آشنائی ندارد و بقول دوستانش حتی مکتب را تمام نکرده به دوکانداری روی آورده است چون از اقوام نزدیک ملا مارشال میباشد، ناگهانی به در برلین مقرر شده است و اینک نوسال است در سفارت به استراحت و خوشگذرانی می گذراند. و همچنان در رسانه ها گفته شد که با پشتیبانی اشرف سفیر در برلین که شفیق در قاجاق الماس دخیل است و سفیر از وی از قاجاق الماس حق میگیرد. درین گیرودار تذکر رفت تا یک هیئت کنترل به سفارت افغانستان به برلین بیاید اتهام قاجاق الماس را که توسط خواهر زاده ملا مارشال که در عین حال اشته نظامی در برلین میباشد بررسی کند.

به هر حال عملکردها و چپاولگری های غیاث توخی به مثابه مشت نمونه خروار از ابعاد فساد و ارتباطات نا سالم و نا مشروع بدون هرگونه معیار اخلاقی درین وزارت در گزینش و گمارش کارمندان و دیپلماتان این وزارت خانه پرده بر میدارد. همان توخی که نان را از حلقوم کارمندان و همکاران خویش در هنگام تصدی ریاست اداری وزارت خارجه می دزدید و در یک تباری با مقامات وزارت از مجموع سه لک افغانی پول ماهانه ماکولات، تنها سه لک آنرا ماهانه به جیب می زد، اکنون مصمم است تا این شیوه های غارتگرانه را در وجود مردم افغان، مقیم و نکورکا نادا، ادامه داده و بر تعداد عمارات و دوکاکین خویش در شهر کا بل بیفزاید.

نقیب الله فایق وکیل مردم فاریاب در پارلمان چشم دیداش را از سفارت کشور در آمریکا چنین بیان مینماید: ... به آرزوی اشتیاق دیدن دیپلمات های هموطنم، با تعدادی از وکلای راهی سفارت در واشنگتن شدیم، واقعاً بادیدن جوانان تازه دیپلمات و بزرگان خوشحال شدم، خانم هانیز بودند، سفیر به کشور برگشته بود، بخاطر آشنایی همدیگر، به معرفی پرداختیم، از شنیدن نامها و چهره های تازه و کهنه، خیلی خوشحال شدم، برایم جالب بود که چگونه عده ای از جوانان و دیگران، در این سفارت راه یافتند، شیوه گزینش شان چگونه بوده است، حس کنجکاو می ام بیشتر شد، از نفر پهلویم تقاضا نمودم تا با من در محوطه ای تعمیر قدم بزند و در مورد این دیپلماتها معلومات بدهد.

موصوف گفت! فرزند خلیلی صاحب معاون رییس جمهور مستشار سفارت اند و همزمان محصل بوده و از پول سفارت يك خانه ي کلان هم برایشان گرفتیم ، بچه لوي سارنوال صاحب هم هستند ، ائشه ي تجارتي ما برادرزاده احدي وزیرتجارت بوده و نزدیکان فامیلی معاون صاحب اول ریاست جمهوری، وردك صاحب ، لودین صاحب ، وزیر خارجه ، خرم صاحب و ... نیز در سفارت حضور دارند. هستند.

براي هر کدام شان ماهانه (۳۰۰۰) دالرتها کرایه خانه ، هزاران دالر معاش ماهوار و مصارف دیگر نیز پرداخته میشود . وي بالحن شوخي افزود از اینکه وزارت خارجه افراد شایسته و وطن دوست را اینجا فرستاده ، گاه گاهی زور آزمایی و مشت زنی هم میکنند و با آمدن و وساطت نیروهای امنیتی آمریکا ، یخن همدیگر را رها میکنند ، همچنان عده ي از این دیپلومات هامحصل بوده و کمتر به سفارت میآیند ... بدبختانه فقط چند نفر تکه دارند کرسی هارا اشغال نموده ، اعضاي خانواده ، اطرافیان نزدیک و در مواردی ، هم قریه و هم ولایتي خود را صاحب وظیفه ساختند ، دورتر از آن ، نه در غم قوم خود اند و نه هم در غم مردم . این است شیوه تقسیم قدرت در افغانستان.

مشکل از افراد بلند رتبه و متنفذ سرچشمه می گیرد. اگر این افراد، جگر گوشه ها و فرزندان خود را با مدنظر گرفتن تمام معیار های وزارت امور خارجه به سفارت ها معرفی نمایند؛ شاید همچو مشکلاتی در آینده کمتر ظهور کند . جایگاه بلند حکومتی پدران همچو اشخاص، باعث ایجاد غرور کاذب و جنون قدرت طلبی و حس خودپرستی میگردد.

صلاحیت های وزیر خارجه در انتخاب سفیران و نیز کارمندان وزارت خارجه از همان شروع وزارت خارجه که دبل عبدالله بنیاد گذارش بود تا به حال به شکل کج و منحرف به پیش میرود. در سفارتخانه ها و نماینده گی های سیاسی کشور تمامی افراد به شمول دریورها سرفلفی دارند. متأسفانه دولت اشخاصی را به عنوان سفیر و دیپلومات به خارج اعزام میکند که توانمندی و استعداد و تحصیل حقوقی و دیپلوماتیک ندارند و یا سند جعلی تحصیلی دارند. واقعیت این است که از وزیر گرفته تا سفیر از درد و مصیبت ملت آگاهی ندارند و همه این ها نماینده های کشور های مختلفی اند که تابعیت خارج از افغانستان را دارند و اینان آمده اند تا دارای ملت را با خود میبرند.

زلمی رسول : زلمی رسول وزیر امور خارجه در جنوری دوهزار و دوه من حیث وزیر امور خارجه آرای مردم را از ولسی جرگه کسب نمود. او در جون دوهزار و دو مشاور امنیت ملي کرزي بود و همچنان در قسمت هماهنگ سازی فعالیت های امنیت و سیاست خارجی کشور کار می نمود. وي از دوهزار و یک بدین سو همراه با کرزی در اکثر محافل و مجالس حضور دارد. زلمی رسول قبل از پست مشاوریش بحیث رییس هوا نوردی ملکی ایفای وظیفه می نمود.

زلمی رسول متولد کابل ازلیسه استقلال فارغ و تحصیلات رابه پاریس ادامه داد. به لسان های دری، پشتو، انگلیسی، فرانسوی و ایتالیوی بلدیت دارد. لسان عربی را نیز می داند.

جاوید لودین بحیث ریس دفتر، سخنگوی و بحیث سفیر افغانستان در ناروی و کانادا اجرای وظیفه نموده و فعلاً معین سیاسی وزارت خارجه است.

کرزی طی یک دهه چه میراثی از خود بجا گذاشت؟؟؟

(انواع پدیده های منفی چون: تفنگ سالاری ، ماجراجویی ، خویشخوری ، رشوت ستانی ، بی مسوولیتی ، چور و چپاولگری ، زورگویی ، منطقه پرستی ، روزگدرانی، و ...)

« قسمت یازدهم – صباح »

در قوای مسلح چه میگذرد؟



گناهی ما فقط مهري وطن بود

تمام جرم من در ما شدن بود

یکی من میگفت و دیگری تو

به جاده هانبردی تن به تن بود.

جنگ - سرنوشت بشر نیست اما بخش قابل ملاحظه یی از تاریخ بشر را دربر گرفته است . کلمه یی ست که رنج انسان ها را یاد آور می شود و رویاها را می دزدد. جنگ بسیاری از چیزها را از ما دزدید و با خود برد. شاید با خود برد تا سیمای قهرمانانه مردم ستمدیده را بسازد . جنگ کشور جنگ نابرابری بود که بین ظالم و مظلوم ، بین حق و ناحق و بین چپاولگران و ستمدیده گان و همچنان ادامه دارد. جنگ و چپاولگری کشور رابه ویرانه ، شهر رابه شهر ارواح و خانه هارابه ماتم سر امبدل گردانید. انسانهای زیادی رابه کام مرگ کشاند .

سال هاست که امریکا و متحدین در کشور حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم ، زیرا پس از سقوط طالبان ، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول با زگذاشته شد .

حال نه تنها بر مردم ما بلکه بر اکثر مردم دنیا آشکار گشته است که با وصف حضور نیروهای صدوپنجاه هزاره خارجی و ادعاهای بلند بالایی دولت ، هنوز هم کشور به عنوان یکی از مراکز فجایع حقوق بشر باقی مانده است، ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح ، افزایش بی سابقه خود کشتی و خود سوزی زنان، تهدید فامیلها تا دختران خود را

به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان درکار بیرون از خانه، ممنوعیت ظاهر شدن آواز خوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوه‌هایی که چاره‌ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و... مردم نه تنها خواستار خلع سلاح و حذف نیروهای جنگ سالار هستند، بلکه این راه را تنها راه اعاده امنیت درکشور می‌دانند.

همین اکنون یک سوءتفاهم می‌تواند منجر به کشته شدن صد ها نفر شود و عده زیادی از مردم را در هول و ترس فروبرد، زندگی زیر سایه یک جنگ سالار هیچ گاه امنیت را برای میهن تامین نخواهد کرد. اگر قدرت جنگ سالاران و باندهای مافیایی مواد مخدر تحت حمایت آنها مهار نشود، شرایط فعلی نه تنها امنیت کشور را به مخاطره خواهد افکند که مشکلات بسیاری را برای نیروهای خارجی پیش خواهد آورد و یک بار دیگر وطن را به کام نیستی خواهد کشاند.

هم اکنون دهها هزار میل سلاح نزد گروه های مسلح وجود دارد که عامل ناامنی درکشور هستند. اگر سلاح جمع اوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می‌افتند. همین حالا تنظیم های حزب اسلامی گلبدین، جمعیت وارثین برهان الدین ربانی، شورای نظاری پنجشیری، اتحاد سیاف، وحدت، خلیلی، محقق، اکبری، حرکت انوری و محسنی و... کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر یک دهها میل سلاح در اختیار دارند. سرگروه ها و بعضی از فرماندهان و مسوولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی دیپو های خود را حفظ کرده اند. چرا این همه بیدادگری و زورگویی و ستیزه جوی درکشور به پایان نمیرسد؟ زیرا درکشور قوای مسلح نیرومند، ادارات آگاه و بیدار امنیتی و دولت دلسوز نداریم، متأسفانه آگاهانه از جانب متحدین غربی سلاح و مهمات کافی بدسترس ما گذاشته نمیشود تا مشکلات را از راه برداریم.

سی.ان.ان به نقل از گروه بحران بین‌المللی گزارش داد که تلاش برای اصلاح پولیس ملی به دلیل فساد و فقدان اراده سیاسی با ناکامی مواجه شده و پولیس به جای کمک به برقراری نظم اجتماعی به مبارزه با طالبان پرداخته است. گروه بحران می‌افزاید: اردوی آمریکا... همچنان به پولیس به‌مثابه ابزار امنیتی کمی می‌نگرد به جای اینکه پولیس را در جای خود که همان برقراری قانون است به کار گیرد.

با گذشت ده سال، نیروهای آمریکا و ناتو به نام مبارزه با تروریسم همچنان در افغانستان باقی مانده و معلوم نیست که جامعه جهانی و کشورهای بزرگ جهانی و دولتهای منطقوی تا چه زمانی این استقرار را تحمل کنند. تداوم کشتار غیرنظامیان بدست نیروهای خارجی به عنوان یک معضل امنیتی خطرناک و حساسیت برانگیز، باز هم اعتراضات مقامات و مردم افغانستان را در پی داشته است. بمباران های متعدد و حملات پی در پی و گاه و بیگاه نظامیان آمریکا و ناتو در حالی جان و سلامت غیر نظامیان و افراد بیگناه را تهدید می کند که کرسی، برخی از وزرا و مقامات دولتی، نمایندگان پارلمان

و سازمان های حقوق بشر داخلی و خارجی، سران و نمایندگان احزاب و جریان های سیاسی بصورت زبانی، خودسری ها و اقدامات خشونت بار نیروهای خارجی را محکوم کرده اند.

تکرار کشتار زنان و کودکان و افراد غیر نظامی توسط نظامیان خارجی یکی از مسائل و چالش ها فراروی دولت به شمار می رود و برخی از صاحب نظران معتقدند که باید مقامات دولتی در برابر حفظ جان اتباع کشور، جدیت و جانفشانی بیشتری داشته باشند و با روی دست گرفتن سازوکارهای مناسب و قوی جلو اقدامات غیر قانونی نیروهای خارجی و کشتار غیر نظامیان بدست آنان را بگیرند.

بعد از لشکرکشی ایالات متحده آمریکا به افغانستان که بیشتر از ده سال سپری میشود و میلیاردها دلار حریف و میل فرماندهان نظامی پنتاگون و ناتو و مسوولین نظامی و دولتی افغانستان گردیده و تا اکنون کشور از نیروی مسلح کارآمد و دلسوز برخوردار نیست. رهبری ارگانهایی نظامی مصروف چوروچپاول داریی عامه بوده اند، کوچکترین توجهی به نیرومندی و خودکفایی قوای مسلح نکردند.

کسی نیست که از ریس جمهور کرزی بپرسد- که طی این ده سال چه دست آوردی در وزارت دفاع ملی دارید؟ و طی این مدت نتوانسته اید قوای مسلح را اکمال و تجهیز نماید، در صورتیکه هزاران جنرال، دگروال، دگرمن، جگرن، بریدمن و بریدگی های تعلیم یافته و باتجربه جبراً از جانب وزارت دفاع به تقاعد سوق گردیده اند و هر روز دست به مظاهره و تجمع میزنند تا حقوق داد خواهانه شان بگوش مقامات ارگ و مسوولین وزارت دفاع برسد که نمیرسد.

باگذشت هر روز ساحه حاکمیت دولت محدود و حلقه محاصره شهرها تنگ تر و مخالفین از مدافعه به تعرض روی می آورند. اگر در هر کشوری دیگری باشد، چنین حوادثی به مفهوم ناتوانی نظامی و ناکارایی مسوولین بلند پایه ارگانهایی قوای مسلح تعبیر شده و ریس جمهور و پارلمان دست به کار شده و مقامات نظامی را مورد تنبیه و سرزنش قرار داده و به محاکم و دادگاه میکشانند. اما بالاندوه و درد در وطن ما، ریس جمهور و پارلمان نه تنها مقامات ارگانهایی قوای مسلح را مجازات نمی نمایند، بلکه مکافات و مورد لطف و شفقت و نوازش نیز قرار میدهند.

امروز پرسونل قوای مسلح بجز از چند عراده موتر فورد آمریکایی چه دارند تا به درجه خودکفایی امنیتی برسند؟ قوای مسلح متأسفانه طی این هشت سال نتوانست از سخاوت های پنتاگون مستفید شده و مالک تانک، توپ، راکت، سلاح و وسایط ثقلیه و خفیفه شوند. وزارت داخله و ریاست عمومی امنیت ملی نیز وضعیت به مراتبها غم انگیز تر نسبت به وزارت دفاع دارند. در گوشه و کنار وطن روزانه ده ها نیروی قوای مسلح کشته و زخمی میشوند و اما کسی نیست که مسوولین را مورد باز پرس و سرزنش قرار بدهد.

طی این مدت فرار از خدمت عسکری، و کم تجربگی نیروها در مدیریت جنگ‌های فرسایشی، بی اعتمادی و خود سری نظامیان آمریکا و ناتو و عدم مشارکت نیروهای محلی در عملیاتها، گسترش حوزه فعالیت طالبان و پیشرفت در تاکتیک‌های نظامی آنها، استراتژی جنگ چریکی و خستگی روانی نیروها، همگی مانع از عملکرد موثر اردوی ملی در به دست گیری و کنترل اوضاع شده است. بی کفایتی اردو، پولیس و نیروهای امنیت ملی در اوضاع نابسامان کنونی، گسترش روزافزون فساد و نبود استراتژی نظامی از اعتبار و پرستیژ این نیروها کاسته میشود.

کوشش در جهت ایجاد اردوی ملی و همزمان با آن احیای ملیشه بازی و درپهلوی آنها توسل به مصلحت گرایی همان نتایجی را در بر دارد که تا حال داشته است و تازمانی که مصلحت و روز مره گی اساس کار و سیاست باشد، که هست، هیچ نشانه‌ای از بهبود را نخواهیم دید. دولت خود را به مصالح گروه‌های گوناگون متعهد می‌داند و بر همین اساس روزانه بر نامه می‌سازد. با قدرتمندان درون دولت، با قوماندانان محلی، نیروهای محافظه کار، با جامعه جهانی و... و برآیند آن نیز همین است که هست. در این میان آنکه هرگز مورد توجه قرار نمی‌گیرد و نقشی را که می‌تواند بر عهده بگیرند نادیده گرفته میشود اکثریت مردم افغانستان است که از فقر و مرض و بی سر پناهی و بیکاری رنج می‌برند. دومیلیون بیکار، پنج میلیون گرسنه و مریض و... موفقیت آمریکا در افغانستان با اعمال سیاست‌های نابخردانه در افغانستان، مانند تفتیش خانه‌ها و بازرسی بدنی زنان و مردان، توهین به فرهنگ و آداب آن‌ها و... موجب باز قدرت گرفتن دوباره طالبان گردید که در نهایت آمریکا را مجبور کرده است باب مذاکره را باز کند.

با افزایش شمار سربازان کشته شده آمریکایی در جنگ با طالبان و آشکار شدن ناتوانی دولت کرزی برای کنترل کشور، حمایت‌های عمومی به تدریج از این جنگ کاهش یافت.

برگزاری انتخابات پارلمانی از دیگر اتفاقات مهم در افغانستان بود. میزان مشارکت، بسیار پایین بود و طبق آمار رسمی تنها حدود یک‌سوم از واجدین رای‌دادن، بر سر صندوق‌ها حضور یافتند. همچون انتخابات گذشته مواردی همچون مخدوش کردن آرا و ارباب رای‌دهندگان از سوی مخالفین به وفور به چشم می‌خورد. در نهایت حدود ۲۰ درصد یعنی ۱/۳ میلیون رای به دلیل تقلب انتخاباتی مردود اعلام شد. تا پایان سال ۲۰۱۰، با رهبری متزلزل کرزی و مقاومت طالبان، دولت اوباما تصمیم گرفت برخلاف وعده پیشین خود، سال ۲۰۱۴ را زمان پایان حضور نظامیان آمریکایی در افغانستان اعلام کند. هرچند این مهم بیشتر تحت تاثیر فشار افکار عمومی مطرح می‌گردد. گویا مشکلاتی که آمریکا در افغانستان دارد که بخش اعظم آن را خود بوجود می‌آورد در راستای این مهم می‌باشد که حضور آمریکا را در افغانستان توجیه کند.

در سال ۲۰۱۰ برخی از اعضای طالبان، کرزی و مشاورینش برای پایان دادن به جنگی ۹ ساله به مذاکره با یکدیگر پرداختند. رهبران طالبان که برای محافظت از جانشان هویت خود را محفوظ نگاهداشتند، از طریق نیروهای ناتو وارد این مذاکرات شدند. گفته می‌شد یکی از مخالفین در این مذاکرات ملا اختر محمد منصور، فرد شماره ۲ طالبان در افغانستان بود. بعد از چند هفته مشخص شد مذکور کاسبی ساده از شهر کوپته بوده که توانست کرزی و مقامات ناتو را فریب دهد.

همزمان با یازدهمین سالگرد حضور آمریکادر افغانستان و ناتو ارزیابی‌ها از وضعیت کشور همچنان در صدر مطالب رسانه‌ها و محافل سیاسی قرار دارد. رئیس دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در افغانستان از ادامه وخامت وضعیت مردم کشور می‌گوید. اشتوکرکه پس از هفت سال پست رئیس دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در افغانستان را ترک می‌کند گفت، بر اثر ادامه جنگ، غیرنظامیان در افغانستان نه در برابر یک خط مقدم که بین چندین خط گرفتار شده‌اند به طوری که دسترسی به خدمات صحی برای آنان به مشکلی فزاینده تبدیل شده است. حمله به کارکنان وسائط نقلیه و تأسیسات صحی را نمی‌توان به عنوان بخشی از روند عادی هدایت جنگ قلمداد کرد و روند امداد رسانی نباید متوقف شود.

ماهنامه آمریکایی پروگرسو نیز با اشاره به هزینه‌های جانی و مالی ادامه حضور در افغانستان نوشت، اگرچه جورج بوش رییس جمهوری قبلی امریکا آغازگر این جنگ بیهوده بود، اما امروز، بی شک سیاست‌های غلط باراک اوباما رئیس جمهوری این کشور، موجب تشدید جنگ و بحران در افغانستان شده است. جنگ افغانستان، امروز جنگ باراک اوباما است. وی دستور سه برابر شدن نیروهای آمریکایی در افغانستان را داد و او را باید مسئول افزایش شمار تلفات نظامیان آمریکایی در آن سرزمین دانست. امریکا برای انتقام از سه هزار نفری که در یازده سپتامبر جان باختند، تنها در افغانستان، دست کم بیست هزار قربانی گرفته است. هزاران نفر نیز بر اثر عوارض جنگ، از جمله گرسنگی و بیماری، جان داده و یا معلول شده‌اند.

اما خسارت‌های جنگ افغانستان، تنها به تلفات جانی محدود نمی‌شود. جنگ افغانستان تا اینجا برای مردم آمریکایی، ششصد میلیارد دلار هزینه داشته و تقریباً هر هفته دو میلیارد دلار به این میزان اضافه می‌شود که بار آن، بر دوش مالیات دهندگان آمریکایی است.

دولتمردان آمریکایی می‌کوشند، آموزش نظامیان افغان را بهانه ادامه حضور افغانستان قرار دهند. هر روز، بر شمار سربازان آمریکایی که توسط نظامیان افغان کشته می‌شوند، افزوده می‌شود. پس اگر به اصطلاح 'دوستان ما' دارند ما را می‌کشند، چه دلیلی دارد که در آن کشور بمانیم؟ این مجله دلیل واقعی ادامه حضور در افغانستان را تلاش امریکا برای تسلط بر چین در شرق و ایران در غرب و همچنین کنترل راه‌های ارتباط تجارتي کشورهای آسیای میانه با دریای عمان دانست.

در همین حال یک روزنامه آلمانی هم در ارزیابی از یازده سال موجودیت در افغانستان، انرا شکستی بزرگ و مفتضحانه برای امریکا و ناتو دانست و خواستار اعتراف آنان در این خصوص شد. روزنامه فرانکفورتر روند شای در تحلیلی نوشت زمان آن فرارسیده که آلمان و غرب بالاخره به واقعیت های افغانستان یعنی شکست مفتضحانه خود در اعتراف کنند. چندی پیش نیز موسسه هاینریش بول آلمان اعلام کرد که امریکا و ناتو نمی خواهند از شکست افغانستان سخنی بگویند و در این باره چیزی بدانند. زمانی که هارالد کوچات یکی از مقامات بلند پایه سابق اردوی آلمان چند ماه پیش در این باره سخنی به میان آورد، به شدت مورد حمله و انتقاد قرار گرفت



بقیه گزیده های مقالات (صبح) اینجا کلیک نماید

admin@vatandar.at

مدیر مسوول : انجنیر هما یوسفی
صاحب امتیاز : انجنیرنجیب یوسفی
کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد